

اشاره:

میانی گزارشگری صلح، عنوان مقاله‌ای است که می‌کوشد همه دست‌اندرکاران رسانه‌ها از جمله خبرگزاری‌ها را به بازنگری در تفکر ژورنالیستی، شیوه نگرش به واقعیت‌ها و رخدادهای محیط زندگی، انعکاس و انعطاف پذیر کردن ساختار جوامع، تکنیک‌های تهیه و تنظیم خبر و گزارش و محتوای پیام‌های رسانه‌ای فراخواند. مقاله هم‌چنین پیشنهاد می‌کند تا رسانه‌ها، در انتخاب منابع خبری، تجدیدنظر نموده، شرایط حضور اکثریت خاموش را به جای منابع ثابت، شناخته شده و رسمی در اخبار و گزارش‌ها فراهم کنند از آنجا که پدایی «اندیشه صلح» در اذهان انسان‌ها، پیش‌نیاز تحقق عینی صلح و تفاهم در جهان به هم پیوسته امروز است جست‌وجو و تأکید بر زمینه‌های مشترک جوامع بشری به جای توجه به عوامل افتراقی و افتناع سیاستمداران برای حل و فصل مناقشات از راه‌های صلح‌آمیز به جای گرایش به روش‌های خشونت‌آمیز، می‌تواند به شکل‌گیری نوع جدیدی از روزنامه‌نگاری یاری رساند که متضمن تفاهم، مدارا و پیشبرد صلح و تفاهم در عرصه بین‌المللی است.

تأکید بر به کارگیری زبان تفاهمی و نرم گفتار در بیان حقایق، استفاده از سبک‌ها و شیوه‌های خلاقانه و ابتکاری در تهیه، تنظیم و نگارش گزارش‌ها، بازنمود واقعیت از جنبه‌ها و ابعاد مختلف، کنکاش در پیشینه و زمینه شکل‌گیری رویدادهای تفرقه‌انگیز یا خصمانه و عوامل بوجود آورنده سوءتفاهم‌ها، تلاش برای تقویت گفت‌وگو و دیالوگ، از محورهایی هستند که این مقاله، سعی در بازنمود آنها خواهد داشت. هم‌چنین بازنگری در برخی سنت‌ها و ارزش‌های رایج روزنامه‌نگاری، همچون ارزش خبری کشمکش و درگیری، دروازه‌بانی خبر و نظریه برجسته‌سازی رسانه‌ها در این مقاله، پیشنهاد می‌شود.

مقاله، بر ضرورت نگرش اخلاقی به فعالیت‌های رسانه‌ای، تقویت اخلاق حرفه‌ای و رفتار صلح‌آمیز رسانه‌ای از جمله رعایت دقت، بی‌طرفی و صحت و نیز پاسداری از حقوق و منزلت انسان، لزوم پرهیز از پیشداوری، اعمال نگرش‌های



* مبانی گزارشگری صلح

دکتر محمد مهدی فرقانی

شخصی، قومی یا ایدئولوژیک، تلاش در جهت ارائه راه حل منطقی و صلح‌آمیز برای منازعات و اختلاف‌ها و بالاخره ضرورت تدوین و توافق بر سر اصول اخلاقی جدید یا تجدید میثاق با آرمان‌های اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری پای خواهد فشرد. در تبیین این ضرورت، تأکید بر آن خواهد بود که اخلاق حرفه‌ای جدید باید بتواند در مقیاس ملی به تقویت دموکراسی، هم‌پذیری و مدارای اجتماعی و در مقیاس جهانی به استقرار، بسط و تعمیق صلح و تفاهم بین‌المللی یاری رساند.

غیبت یا غریب این عناصر، اکنون در هر دو عرصه مشهود است، بنابراین نیاز به نوزایش در اخلاق و شیوه‌های گزارشگری برای کمک به صلح و تفاهم، کاملاً احساس می‌شود.

مقدمه

گفتمان غالب رسانه‌ای در جهان امروز بر مدار باز تولید قدرت می‌چرخد. از آنجا که این گفتمان، عناصر تشکیل دهنده خود را از منابع انحصاری قدرت می‌گیرد، جز اعمال زور، زبان آمرانه و تحمیل اراده ساختار قدرت، خرده گفتمانی را نمی‌شناسد.

به بیان دیگر، گفتمان جنگ، کشمکش و درگیری، گفتمان غالب رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد. این گفتمان به سختی در برابر پادگفتمان صلح که مؤلفه‌های خود را از منابع متکثر اجتماعی تأمین می‌کند، مقاومت نموده تن به تسلیم و سازش نمی‌دهد. به نظر می‌رسد نظام روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای بین‌المللی به بازنگری فرهنگی، اخلاقی و حرفه‌ای نیاز دارد تا بتواند نگاه خود را از تکیه بر ارزش کشمکش و برخورد به تفاهم و همزیستی معطوف کند و به قول «یوهان گالتونگ» صاحب نظر و محقق آمریکایی علوم سیاسی و ارتباطات از «برجسته‌سازی جنگ» به «برجسته‌سازی صلح» روی آورد. در واقع گزارشگری صلح، نوعی فرهنگ، اخلاق و سنت رسانه‌ای است که به جای گرایش به باز نمود خصومت،

خشونت، اختلاف و پراکندگی، به انعکاس تفاهم، صلح، انسجام و وحدت در جوامع انسانی علاقه دارد. در جهت تحقق این هدف، روزنامه‌نگاران همه کشورها می‌بایست به توافق عملی بر سر میثاق اخلاقی و اصول و معیارهای روزنامه‌نگاری جدید فراخوانده شوند که بر مبنای آن پای‌بندی به ترویج اصول دموکراسی، صلح و تفاهم در سطوح ملی و بین‌المللی و نیز احترام به حقوق بشر و کرامت انسان به عنوان مهمترین وظیفه و تعهد حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به رسمیت شناخته شده و در فعالیت‌های رسانه‌ای، تجلی و بروز عینی یابد. برای این منظور، ضروری است تحولات لازم در زمینه‌های مورد اشاره در زیر، صورت گیرد:

الف: اصول اخلاقی

با یادآوری همه عهدنامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و میثاق‌های اخلاق حرفه‌ای که تاکنون در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه لزوم پیشبرد و تحکیم صلح، دموکراسی، تفاهم و حقوق بشر توسط رسانه‌ها، تصویب شده است، باید میثاق اخلاقی جدیدی تهیه شود که گزارشگری جنگ را تقبیح و همه روزنامه‌نگاران را به پیشبرد گزارشگری صلح، متعهد و پای‌بند سازد.

ب: موازین حرفه‌ای

برخی اصول، معیارها و نظریه‌های علمی و حرفه‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری ملی و بین‌المللی باید مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرند. به عنوان مثال، باید ارزش جدیدی به فهرست ارزش‌های خبری اشناخته شده در حوزه رسانه‌ها که عمدتاً مبتنی بر منفی‌گرایی و بها دادن به ارزش برخورد و کشمکش است، تحت عنوان ارزش صلح، تفاهم دموکراسی، افزوده شود، فرایند دروازه‌بانی اخبار را تأکید بر انتخاب اخبار و رویدادهای منفی و حاوی ارزش برخورد و کشمکش به تأکید

■ گفتمان غالب رسانه‌ای در جهان امروز بر مدار باز تولید قدرت می‌چرخد. از آنجا که این گفتمان، عناصر تشکیل دهنده خود را از منابع انحصاری قدرت می‌گیرد، جز اعمال زور، زبان آمرانه و تحمیل اراده ساختار قدرت، خرده گفتمانی را نمی‌شناسد.

بر اخبار و رویدادهای صلح مدار و تقویت کننده تفاهم و مدارا سوق داده شود، هم چنین، در زمینه برجسته‌سازی^۲ رویدادها، برجسته‌سازی صلح می‌بایست جایگزین برجسته‌سازی جنگ شود^۳، و این نیازمند تغییر فرهنگ رسانه‌ای است.

از آنجا که کشمکش و درگیری، هم از دید مخاطب و هم از نگاه رسانه‌های تجارتمندی شده، جاذبه بالایی دارد، روزنامه‌نگاران می‌بایست در گزارشگری صلح با استفاده از هنر روزنامه‌نگاری، همچون توصیف صحنه‌های غیر انسانی و فجایعی که جنگ بر سر انسان‌ها آورده، استفاده از منابع متنوع، افشای ماهیت جنگ طلبان و میدان دادن به اظهار نظر مخالفان جنگ، جذابیت و تأثیرگذاری این قبیل گزارش‌ها را ارتقا دهند.

ضرورت متنوع‌سازی منابع خبری، وارد کردن صدای خاموشان به گزارش‌ها، بها دادن به شخصیت‌ها، نهادها و سازمان‌های طرفدار صلح و غیر قدرت. مدار کردن منابع خبری در این زمینه قابل تأکید است. جست‌وجو در پیشبرد زمینه‌های شکل‌گیری خشونت و عوامل دخیل در آن، بررسی راه‌های دستیابی به توافق و پیشبرد گفت‌وگو می‌تواند به گزارشگری صلح، عمق، غنا و تأثیر ببخشد.

ج. اصول حقوقی

تأمین و تضمین آزادی برای فعالیت‌های حرفه‌ای و استقلال رسانه‌ها از منابع قدرت و ثروت، یا به رسمیت شناختن

و ایجاد ساختارهای متکثر رسانه‌ای و تشویق محیط رقابت حرفه‌ای به منظور متنوع سازی محتوای رسانه‌ها برای خدمت به صلح، تفاهم، دموکراسی و تأمین حقوق شهروندی، ضروری است.

به این ترتیب می‌توان گفت گزارشگری صلح به طور کلی تحت تأثیر چند عامل قرار دارد که برخی از آنها به قرار زیرند:

- ساختار قدرت سیاسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی؛

- محدودیت یا تنوع منابع خبری؛

- مدیریت و مالکیت رسانه، استقلال یا

وابستگی آن به منابع قدرت؛

- اتفاق نظر و پای بندی عملی به اصول

اخلاق حرفه‌ای از جمله وفاداری به

مسئولیت پیشبرد صلح، دموکراسی و تفاهم؛

- آموزه‌ها و فرهنگ سنتی

روزنامه‌نگاری در مورد نحوه نگرش به

عناصری چون ارزش‌های خبری،

دروازه بانی خبری، برجسته سازی،

گزارشگری تحقیقی و تشریحی^۵.

در بیان نهایی گزارشگری «صلح

■ ضروری است ارزش جدیدی باید

به فهرست ارزش‌های خبری

شناخته شده در حوزه رسانه‌ها که

عمدتاً مبتنی بر منفی‌گرایی و بها

دادن به ارزش برخورد و کشمکش

است، تحت عنوان ارزش صلح،

تفاهم دموکراسی، افزوده شود.

می‌بایست صلح را به جای جنگ، تفاهم را به جای تفرقه و اختلاف (تیره‌سازی)، بردباری و شکیبایی را به جای نفرت و تحسین تنوع را به جای بیگانه‌هراسی بنشانند.^۶ این مقاله می‌کوشد به بازشناسی و بازکاوی لایه‌های درونی برخی از این مولفه‌ها بپردازد، زیرا جز از طریق پیشبرد این تحولات در شیوه‌های روزنامه‌نگاری ملی

و بین‌المللی نمی‌توان به شکل‌گیری گزارشگری صلح و در نتیجه مساعدت رسانه‌ها به تقویت و تحکیم روند صلح، تفاهم و دموکراسی در جهان، امیدوار بود.

جایگاه اخلاق حرفه‌ای در گزارشگری صلح

در جهان رسانه‌ای شده امروز، رسانه‌ها

در تولید جنگ یا صلح و پیشبرد و برقراری

دموکراسی نقش محوری دارند. بازنمود

صرف صدای منابع قدرت در رسانه‌ها و

نشنیده گذاشتن صدای اکثریت خاموش که

خواهان زندگی صلح‌آمیز و جهان‌عاری از

جنگ و درگیری و خشونت هستند،

مشروعیت بخشی به جنگ و توجیه افکار و

اقدامات جنگ طلبانه را به دنبال دارد. در

نقطه مقابل، فراهم ساختن امکان حضور

اکثریت خاموش، مصلحان، نخبگان

نیکخواه و خیراندیش، صلح‌سازان، مردم

بیزار از جنگ و نیز سیاستمداران صلح

طلب، از سیاستمداران جنگ طلب و فضایی

که در آن، جنگ، عادی سازی شده،

مشروعیت زدایی می‌کند.

از میانه دو جنگ جهانی و سال‌های

پایانی دهه ۱۹۲۰ تاکنون ده‌ها عهد نامه،

قطعنامه و اصول اخلاق حرفه‌ای توسط

جامعه ملل، سازمان‌های حرفه‌ای و مجامع

بین‌المللی و منطقه‌ای رسانه‌ای تصویب و

منتشر شده است. در غالب این توافق‌نامه‌ها

بر ضرورت استفاده صلح‌آمیز از رسانه‌ها،

پرهیز از انتشار اخبار مغرضانه، نادرست و

تحریک‌آمیز که می‌تواند روابط بین‌المللی

را تهدید کند،^۷ ممنوعیت تبلیغ برای جنگ و

هرگونه تبلیغاتی که برای کشورهای دیگر

دشواری‌های سیاسی به بار می‌آورد^۸ و آنچه

باعث سرد شدن روابط میان جوامع و

ملت‌ها می‌شود، پرهیز از تأکید یا اصرار بر

مسائلی که می‌توانند موجب بی‌حرمتی و

دشمنی شوند و یا درگیری‌های بین‌المللی

به وجود آورند^۹، هم‌چنین ضرورت

برخورداری از دانش کافی هنگام اظهار نظر

در مورد حوادث مربوط به کشور خارجی^{۱۰}،

■ گزارشگری صلح، نوعی فرهنگ،

اخلاق و سنت رسانه‌ای است

که به جای گرایش به بازنمود

خصوصیت، خشونت، اختلاف و

پراکندگی، به انعکاس تفاهم،

صلح، انسجام و وحدت

در جوامع انسانی

علاقه دارد.

اطلاق «جرم حرفه‌ای» به آرائه مغرضانه و

بد اخبار^{۱۱}، تأکید شده است. هم‌چنین

گزارش کمیسیون مک‌براید (۱۹۸۰)، اصول

بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری

(۱۹۸۳) و پارلمان مذاهب جهانی در سال

۱۹۹۹، دستورالعمل‌ها و اصول اخلاقی

چندی به منظور تشویق و وادار ساختن

رسانه‌ها به پیشبرد صلح و دموکراسی وضع

کرده‌اند، اما جهان همچنان شاهد غربت

روزنامه‌نگاری (گزارشگری) صلح و غیبت

رسانه‌های صلح محور است. چرا؟

به طور کلی اخلاق رسانه‌ای در بافت

قوانین نهادی، ملی و بین‌المللی، شرایط و

جایگاه آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی

بیان و قلم، شکل‌گیری نهادهای مدنی و

ساختارهای حرفه‌ای، استقلال یا عدم

استقلال رسانه‌ها، وضعیت پیشرفت اصول

و معیارهای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و

ساختار قدرت ملی و فراملی، معنی و تفسیر

می‌شود. اگر این عناصر، بازدارنده باشند،

اصول اخلاقی به خودی خود نمی‌توانند در

پیشبرد گزارشگری صلح، نقش ایفا کنند.

«اهداف اخلاقی در نهایت گروگان

قوانین نهادی، ملی و بین‌المللی‌ای هستند

که به موجب آن دنبال می‌شوند یا

نمی‌شوند. دو اصل محوری همواره در اکثر

بحث‌های مربوط به اخلاق رسانه‌ای یعنی

دموکراسی در سطح ملی و صلح در بافت

بین‌المللی مطرح هستند، ارزش‌های

دموکراتیک جریان آزادی اطلاعات،

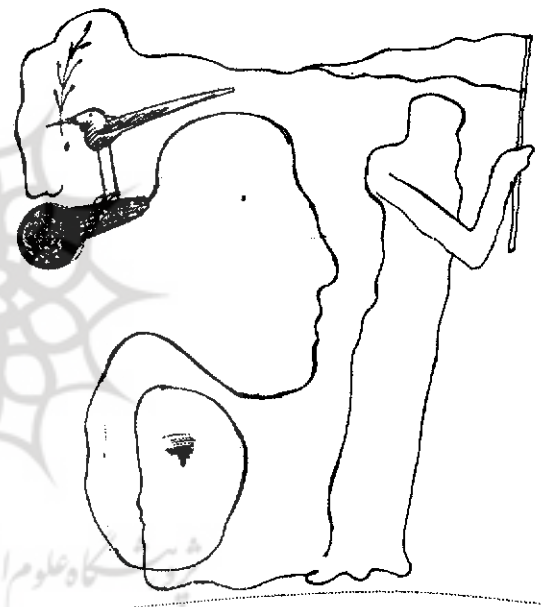
مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها، دسترسی و

مشارکت رسانه‌ای، و حق ارتباط، مفاهیم

کلیدی این گفت‌وگو را تشکیل می‌دهند.^{۱۲}

اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای، با ساده سازی جنگ و تبدیل جهان به سفید مقابل می‌کند و اجازه نمی‌دهد مردم با شایعات، پیش‌دوری‌ها و نیز ذهنیت‌سازی توسط منابع قدرت، تنها بمانند. ساختار اخلاق حرفه‌ای، سازو کارهای خود تنظیمی را در حرفه روزنامه‌نگاری پیش‌بینی و تعبیه می‌کند و این سازکارها می‌توانند مانع کنترل و سانسور رسانه‌ها شوند.

بنابراین به نظر می‌رسد بیش از آنکه خلاء مقررات اخلاق حرفه‌ای مشهود



سازمان رسانه‌ای

باشد، عدم اجرا و پای‌بندی به این اصول، مطرح است. به این ترتیب روزنامه‌نگاران می‌بایست در زمینه تعهد عملی به این اصول، پذیرش کثرت‌گرایی و نیاز به تساهل، مباحثه دموکراتیک و حل مناقشات، توجیه و هم‌پیمان شوند و شرایط تحقق و اعمال اصول اخلاقی را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم سازند. سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو یا تشکل‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در این زمینه نقش خطیری به عهده دارند. در این راستا می‌بایست اصول راهنمای گزارشگری مبتنی بر تساهل، رواداری و حل مناقشات،

تدوین و فراگیر شود، در آموزش‌های تخصصی روزنامه‌نگاری، اصول مربوط به اخلاق حرفه‌ای، گزارشگری حقوق بشر و تعهد و پای‌بندی به پیشبرد صلح و برجسته نکردن جنگ، خشونت و اختلاف، لحاظ شوند، میان روزنامه‌نگاران در مورد چگونگی اولویت‌بخشی به گزارشگری صلح، گفت‌وگو و مباحثه آزاد صورت گیرد و بالاخره نوعی وفاق جمعی روزنامه‌نگاران برای مقابله با هرگونه نیروی بازدارنده تحقق اخلاق حرفه‌ای، حاصل شود. برای این منظور می‌بایست پرداختن به

صلح و ضرورت نفی خشونت و جنگ در ذهن روزنامه‌نگاران، اولویت‌یابد تا آنها بتوانند اولویت ذهنی سیاستمداران و در صورت لزوم شهروندان تحت تأثیر قرار گرفته را نیز تغییر دهند. این تحول ذهنی، گرچه باید از پایه و در از سالهای طفولیت و در خلال آموزش‌های رسمی در ذهن آحاد شهروندان از جمله روزنامه‌نگاران آینده پدید آید، ولی آموزش‌های حرفه‌ای

می‌بایست اولویت خاصی برای آموزه‌های صلح در فرایند روزنامه‌نگاری قائل شوند. این امر یک اراده و جنبش جهانی را می‌طلبد.

به این ترتیب جهان رسانه‌ای به میثاق اخلاقی تازه‌ای نیاز دارد. اصول این میثاق جدید، از ضرورت پای‌بندی و اجرای اصول شناخته شده اخلاق حرفه‌ای در زمینه کمک به تحکیم و پیشبرد صلح، تفاهم و دموکراسی ناشی می‌شود. شکل دادن به وجدان جمعی در زمینه پیشبرد کوشش‌های صلح‌آمیز، از جمله اصول این تفاهم به شمار می‌رود.

موازن حرفه‌ای

فرهنگ رسانه‌ای در روزنامه‌نگاری موجود، مبتنی بر اصولی است که اساس گزارشگری صلح را تهدید می‌کند. در این فرهنگ به ویژه با سه مفهوم اساسی، سروکار داریم:

ارزش‌های خبری^{۱۳}، دروازه‌بانی خبری^{۱۴}، برجسته‌سازی^{۱۵}.

در زمینه ارزش‌های خبری، برخورد کشمکش و درگیری، و بطور کلی منفی‌گرایی تقریباً در همه رسانه‌ها چه در سطح ملی و چه در بعد جهانی، یک ارزش مهم و برجسته به شمار می‌رود. در چنین فضایی، سخن گفتن از صلح یا تفاهم و روا داری، اساساً فاقد ارزش خبری و در نتیجه فاقد قدرت عبور از دروازه و فاقد امکان برجسته‌سازی است. تازه‌ترین مطالعاتی که در زمینه تحلیل محتوای اخبار رسانه‌ها انجام شده همچون نمونه‌های پیشین نشان می‌دهد که منفی‌گرایی و از جمله انعکاس اخبار و مطالب مربوط به جنگ، درگیری، خشونت، بحران و ناکامی و بطور کلی اخبار منفی^{۱۶} در رسانه‌های جهان تبدیل به یک سنت و فرهنگ شده است. در تحقیقی که «آنجوگراور چاوده‌ری» محقق هندی به روش تحلیل محتوا روی دو روزنامه غربی (واشنگتن پست از امریکا، و تایمز لندن) و دو روزنامه شرقی (تایمز اوآیندیا از هند و دیلی تایمز از نیجریه) انجام داد مشخص شد که روزنامه‌های غرب بیشتر حاوی اخبار منفی درباره جهان سوم بودند تا اخبار مثبت. از سوی دیگر همین تحقیق نشان داد که روزنامه‌های جهان سوم هم تمایل دارند بیشتر به اخبار منفی کشورهای توسعه یافته بپردازند. این گزارش نتیجه می‌گیرد که هم روزنامه‌های غربی و هم روزنامه‌های جهان سومی بیشتر تمایل دارند به اخبار منفی یکدیگر بپردازند. به عبارت دیگر، در پوشش خبری هر دو گروه، نوعی تعصب بومی‌گرایانه مشهود است.^{۱۷}

بنابراین به نظر می‌رسد بازنگری در

فهرست ارزش‌های خبری، فرایند دروازه‌بانی و سنت برجسته‌سازی رسانه‌ها به منظور تبدیل مقوله صلح به یک ارزش خبری قابل عبور از دروازه، در فرایند شکل‌گیری روزنامه‌نگاری صلح، اجتناب‌ناپذیر است. در بعد دروازه‌بانی نیز مطالب مربوط به صلح به دلیل فقدان ارزش خبری کشمکش، غالباً پشت دروازه‌های خبری متوقف می‌مانند مگر آنکه موضوع صلح در کنار رویدادهای مربوط به جنگ و درگیری مطرح شود. در واقع ارزش صلح را به این دلیل می‌توان به

■ تأمین و تضمین آزادی برای فعالیت‌های حرفه‌ای و استقلال رسانه‌ها از منابع قدرت و ثروت، با به رسمیت شناختن و ایجاد ساختارهای متکثر رسانه‌ای و تشویق محیط رقابت حرفه‌ای به منظور متنوع‌سازی محتوای رسانه‌ها برای خدمت به صلح، تفاهم، دموکراسی و تأمین حقوق شهروندی، ضروری است.

■ در جهان رسانه‌ای شده امروز، رسانه‌ها در تولید جنگ یا صلح و پیشبرد و برقراری دموکراسی نقش محوری دارند.

ارزش‌های خبری موجود افزود که گزارشگری صلح در پی‌شناسایی و کشف همه عوامل درگیری و خشونت و خارج کردن آنها از دستور کار رسانه‌ای و باز کردن فضا برای گفت‌وگو درباره صلح است.

اصطلاح روزنامه‌نگاری صلح، اولین بار به وسیله یوهان گالتونگ محقق آمریکایی و همکارانش مطرح شد.^{۱۸} گالتونگ، برجسته‌سازی صلح را به عنوان جایگزین برجسته‌سازی جنگ به کار برد. از دیدگاه گالتونگ، روزنامه‌نگاری جنگ^{۱۹} همواره تمایل دارد بر خشونت به عنوان مبنای درگیری‌ها تأکید کند. روزنامه‌نگاری

جنگ، انسان‌ها را به خوب و بد تقسیم می‌کند و در ارزیابی نهایی، همیشه یک طرف برنده و یک طرف بازنده وجود دارد. گزارشگری یا روزنامه‌نگاری صلح^{۲۰}، نگاه یگانه‌ای به نوع بشر دارد، زیرا معتقد است هرگونه نگاه تبعیض‌آمیز و نابرابر، و هرگونه سفید و سیاه کردن مقوله‌ها، جنگ، خشونت و عدم تفاهم را تقویت می‌کند. گزارشگری صلح با تکیه بر گزارش‌های عمقی که حقایق را به درستی منعکس می‌کنند، و نیز با هدف انسانی کردن دیدگاه‌ها به سراغ منابع و رویدادهای دست اول می‌رود و به جای استفاده از نقل قول‌های تکراری، در کانون رویداد حضور می‌یابد و به انعکاس همه ابعاد و جنبه‌های یک رویداد و نیز پیشینه، زمینه، علل و عوامل بروز خشونت و درگیری، معرفی عناصر دخیل در آنها و راه‌کارهای رسیدن به تفاهم می‌پردازد.

گزارشگری صلح به جای تکیه بر منابع انحصاری غالباً وابسته به حوزه قدرت، از منابع متکثر و متنوع بهره می‌جوید، صداهای مختلف را بازتاب می‌دهد و ابعاد غیرانسانی رویدادهای خشونت‌آمیز را در کنار چهره انسانی رویدادهای مثبت ارائه می‌کند، دیدگاه‌ها و منابع همه افراد و گروه‌های دخیل در کشمکش‌ها را مشخص می‌کند، از تعصب، پیشداوری و انگ‌زدن می‌پرهیزد، برای مسائل مورد مناقشه، راه‌حل‌های صلح‌آمیز ارائه می‌کند و بر میزان کینه و خصومت نمی‌افزاید.

گزارشگری صلح، مبتنی بر شیوه‌های هنرمندانه توصیف چهره کریه جنگ و سیمای انسانی صلح، انگشت‌نهادن بر منافع و علایق عمومی در زمینه برخورداری از رابطه تفاهمی، پی‌گیری اطلاعات نادرست دریافت شده تا رسیدن به حقیقت، توسعه حقوق شهروندی و جلب حمایت شهروندان از آزادی و به‌طور کلی گزارشگری متعادل و بی‌طرفانه است. از آنجا که تولید فرهنگ صلح، مستلزم آگاهی از پیامدهای جنگ است، گزارشگری

صلح، وظیفه دارد سیاستمداران و شهروندان را از عواقب غیرانسانی جنگ آگاه کند. گزارشگران صلح، کارمندان مراکز تصمیم‌گیری یا پایانه‌های سیاسی نیستند، آنها رابطه میان آزادی بیان و صلح را به تصویر می‌کشند.

گزارشگری صلح، بر این باور است که دموکراسی و صلح، محصول گفت‌وگو هستند، و گفت‌وگو مستلزم آزادی بیان و تساوی، بنابراین در چارچوب گزارشگری صلح، همواره بر گفت‌وگو به عنوان راه دست‌یابی به توافق و پرهیز از جنگ، تأکید می‌شود. گزارشگری صلح، بر این باور است که قدرت سیاسی، منبع مناسبی برای تأکید بر صلح و پیشبرد آن نیست، زیرا قدرت غیرمردمسالار، زبان زور، آمریت و تابعیت را می‌شناسد و زبان تحکمی نمی‌تواند ابزار تفاهم باشد. گزارشگری صلح، باز نمود صدای نجبگان فکری، نوآندیشان و مصلحان در کنار توده‌های رنج‌کشیده و مصیبت‌دیده از جنگ، خشونت و رفتار غیرانسانی را در کنار منابع قدرت، یک وظیفه حرفه‌ای تلقی می‌کند.

گزارشگری صلح به ویژه در برخورد با دموکراسی‌های نوپا چه در سطح ملی و چه در ابعاد بین‌المللی به این گفته کنفوسیوس باور دارد که «وقتی همه چیز در کشور به خوبی پیش می‌رود، دلیرانه سخن بگویند و دلیرانه عمل کنید، اما وقتی دولت راه خودش را گم کرده یا در حال یافتن آن است، دلیرانه عمل کنید و به نرمی سخن بگویند.» بنابراین زبان تفاهمی و ارتباطی یا گفتار نرم را برای انتقال پیام برمی‌گزیند.

اگر بپذیریم که جنگ در شرایطی پیش می‌آید که یکی از طرفین، حقوق خود را از دست رفته می‌بیند و یا تمایل دارد که حقوق انسانی طرف دیگر را نادیده بگیرد، گزارشگری صلح به ترویج و تبیین فرهنگ رسانه‌ای انسان‌محورانه‌ای گرایش دارد که در آن حقوق همه انسان‌ها محترم شمرده می‌شود. زیرا گزارشگری صلح اساساً به خود اجازه نمی‌دهد حقوق بخشی از

انسان‌ها را برتر و حقوق گروهی دیگر را فروتر بیندارد.

گزارشگری صلح، وجود اختلاف، تفاوت یا ظلم و تجاوز را نادیده نمی‌گیرد. اما در پی آن است که اختلاف‌ها و تنش‌ها، برجسته، بزرگنمایی و رسانه‌ای نشوند، زیرا واقعیت زندگی انسانی، بسیار انسانی‌تر، صلح‌آمیزتر و قابل تحمل‌تر از واقعیت‌های رسانه‌ای شده امروز است.

گزارشگری صلح، می‌کوشد پیوند و ارتباط میان جوامع و ملت‌ها را محکم‌تر و منسجم‌تر کند بنابراین بر نقاط اشتراک و تفاهم تأکید می‌ورزد و از برجسته‌سازی اختلاف‌ها پرهیز می‌کند، نمونه‌های مثبت جوامع را ارائه می‌کند، ابعاد انسانی

■ اخلاق رسانه‌ای در بافت قوانین نهادی، ملی و بین‌المللی، شرایط و جایگاه آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و قلم، شکل‌گیری نهادهای مدنی و ساختارهای حرفه‌ای، استقلال یا عدم استقلال رسانه‌ها، وضعیت پیشرفت اصول و معیارهای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و ساختار قدرت ملی و فراملی، معنی و تفسیر می‌شود.

کشمکش‌ها را نشان می‌دهد و حقیقت را به جای جانبداری می‌نشانند.

گزارشگری جنگ، ساختار متکثر رسانه‌ای را بر نمی‌تابد، زیرا، رسانه‌های متکثر، صداهای متعدد و متنوع را بازتاب می‌دهند در حالی که گزارشگری جنگ، تمایل به شنیدن تنها یک صدا دارد. «به منظور حصول تکرار محتوای رسانه‌ها، نیازمند تکرار ساختاری رسانه‌ای هستیم. ساختار، همان پیام است... روندها و ساختارهای رسانه‌ای کثرت‌گرایانه، چشم‌اندازها و منافع رقابتی را تعدیل می‌کنند. بدین طریق آنها ممکن است بتوانند شکاف اخلاقی بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» را پر کنند.»^{۲۲}

در بیان نهایی می‌توان گفت نظام جدید ارزش‌های خبری مبتنی بر صلح، تفاهم و دموکراسی باید ارزش‌های خبری سنتی را تکمیل کند، برجسته‌سازی در رسانه‌ها می‌بایست درونمایه خود را از جنگ و خشونت به صلح، تفاهم و همزیستی، متحول سازد، و فرآیند دروازه‌بانی خبر نیز می‌بایست صافی‌های خود را تغییر داده، اخبار و گزارش‌های تقویت‌کننده صلح و تفاهم را از خود عبور دهد.

برای این منظور می‌بایست اصول حرفه‌ای گرای مبتنی بر رعایت اخلاق حرفه‌ای، صحت، دقت، بی‌طرفی و عینیت، تقویت و ترویج شوند. «روزنامه‌نگاری صلح، نوعی روزنامه‌نگاری و اخلاق رسانه‌ای است که می‌کوشد تا آنجا که ممکن است از طریق ادراکی نمودن خبر، تقویت انسان‌های خاموش، و جست‌وجوی زمینه‌های مشترکی که به جای تفکیک جوامع انسانی، آنها را وحدت و انسجام می‌بخشد، مناقشات را از کانال‌های خشونت‌آمیزشان به اشکال سازنده تبدیل کند.»^{۲۳}

گزارشگری صلح میان «خود» و «آنها» مرزبندی نمی‌کند. عادت مائلوف رسانه‌ها، مثبت نشان دادن «خود»، و منفی نشان دادن «آنها» یا «دیگران» است. این گونه گفتمان رسانه‌ای در خدمت بازتولید سلطه و نابرابری، نقد ناپذیرکردن قدرت و مشروعیت بخشی به قدرت مسلط است. روزنامه‌نگاری جنگ، شیوه‌های دسترسی عمومی به اطلاعات را تحت کنترل می‌گیرد، و این کنترل، عملاً منجر به کنترل افکار عمومی می‌گردد. گزارشگری صلح، دسترسی عمومی را به اطلاعات عینی، صحیح، دقیق و در عین حال انسانی، تسهیل و تسریع می‌کند.

اصول حقوقی

مهم‌ترین اصول حقوقی برای تحقق گزارشگری صلح، تضمین و تأمین آزادی، استقلال، و تکرار ساختاری رسانه‌هاست.

اصول مربوط به آزادی رسانه‌ها که شامل حق کسب، انتشار، دریافت آزادانه اخبار، اطلاعات و عقاید عمومی و نیز دسترسی آزاد و همگانی به اطلاعات و عقاید است در همه متون حقوقی، عهدنامه‌ها و اصول اخلاق حرفه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، زیرساخت‌های لازم برای جلب تأکید و توجه جهانی به این اصول را فراهم آورده‌اند، اما جهان، همچنان به گونه‌ای غیرقابل انکار شاهد نقض و نادیده گرفتن این اصول به وسیله قدرتمندان، حکومت‌ها و رسانه‌های غیرمستقل است.

در کشورهای در حال توسعه، بسیاری اوقات، دولت‌ها و حکومت‌ها، گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ سیاسی و مالکیت‌ها و مدیریت‌های انحصاری رسانه‌ها، محدودیت‌ها و مضایق پیشماری را در راه آزادی بیان، قلم و رسانه‌ها ایجاد می‌کنند و سعی در هدایت رسانه‌ها در جهت حفظ منافع و قدرت سیاسی و اقتصادی خود دارند. این امر تقریباً فراگیر و عمومی است. کمک به روند دموکراتیزه شدن سیاست و قدرت یا به بیان دیگری رسانی به رشد جریان مردم‌سالاری در این کشورها، می‌تواند ساخت و محتوای رسانه‌ها را به سمت تکرار و پاسداری از منافع عمومی، سوق دهد.

در کشورهای غربی مدیریت‌ها و مالکیت‌های وابسته به منافع سرمایه‌داری یا منابع قدرت، عملاً در جریان انتشار عینی، بی‌طرفانه و دستکاری نشده حقایق، اختلال ایجاد کرده و با تن دادن خواسته یا ناخواسته به فشارهای قدرت انحصاری، دسترسی آزادانه به اطلاعات و حقایق را مختل کرده و گاهی حتی حقایق را تحریف می‌کنند. دستکاری و تحریف حقایق در کنار پیشداوری و سایر ترفندهایی که رسانه‌ها از دیدگاه انتقاد نگران به کار می‌گیرند، همچون عادی‌سازی، نام‌گذاری، ایدئولوژیک‌سازی، به کارگیری ایدئولوژی

توافق، مسکوت گذاشتن صدای افراد و گروه‌های فاقد قدرت، مخاطبان را از دسترسی آزادانه به اطلاعات دقیق، واقعی و بی‌طرفانه محروم می‌سازد. این در حالی است که بسیاری از مخاطبان، به جای جست‌وجوی حقایق و اطلاعات دقیق و درست مربوط به یک رویداد یا درگیری، ترجیح می‌دهند، گزارش‌هایی را ببینند، بخوانند و بشنوند که عقاید و باورهای شخصی‌شان را تأیید و حمایت می‌کنند. از این دیدگاه، دستکاری قدرت‌ها در محتوای رسانه‌ها، یا هدایت و جهت‌دهی رسانه‌ها برای حفظ و تحکیم منافع قدرت سیاسی و مادی، عملاً به معنای نادیده گرفتن

■ گزارشگری صلح به جای تکیه بر منابع انحصاری غالباً وابسته به حوزه قدرت، از منابع متنوع و متنوع بهره می‌جوید، صداهای مختلف را بازتاب می‌دهد و ابعاد غیرانسانی رویدادهای خشونت‌آمیز را در کنار چهره انسانی رویدادهای مثبت ارائه می‌کند.

مهم‌ترین اصول حقوقی حاکم بر فعالیت رسانه‌ها یعنی آزادی کسب، انتشار و دسترسی عمومی به اطلاعات، اخبار و عقاید است. گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران^{۳۳} تحت عنوان «آزادی‌های مدنی و نبرد علیه تروریسم» که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در زمینه نحوه پوشش رسانه‌ها از این حادثه در ۲۰ کشور جهان تهیه شده بیانگر این اعمال نظر و تحریف است:

«کوشش‌های فراوانی صورت گرفته تا پیام‌های رسانه‌ای از طریق اعمال فشارهای ناروا به روزنامه‌نگاران توسط حکومت‌ها مورد تحریف و دستکاری قرار گیرند.

فشارهایی که بالقوه، پوشش درگیری را مورد خدشه قرار می‌داد.»^{۳۵} مطبوعات و رسانه‌ها همواره به عنوان رکن چهارم حکومت مطرح می‌شوند که قادرند افکار عمومی را شکل و جهت دهند. آنها البته، تیغ دولبه‌اند زیرا هم قادرند دانش‌های گوناگون را منتشر ساخته و جامعه مبتنی بررواداری و کثرت‌گرایی را به وجود آورند، و هم می‌توانند نفرت، اختلاف و کینه را بازنمایی کنند.

رسانه‌های جمعی هم‌چنین به عنوان مبتکران و متجلی‌کنندگان آزادی بیان و صلح شناخته می‌شوند. مصوبه‌های حقوقی خاصی در زمینه نقش رسانه‌ها در تقویت آزادی و حقوق بشر وجود دارد. تأکید خاص مصوبه‌های مورخ هشتم مارس ۱۹۹۹ و ۲۴ نوامبر ۱۹۷۸ بر نقش مهم رسانه‌ها در تقویت صلح و دموکراسی در این زمینه، قابل ذکرند.

«نقش رسانه‌های مستقل، اهمیت بسیار دارد. آنها فرهنگ، هویت ارزش‌ها و وجدان جمعی را به وجود می‌آورند. در غیاب آنها، فرهنگ صلح نمی‌تواند شکل گیرد... آنها از طریق توانمندسازی نهادهای مدنی و ارائه اطلاعات، به تولید فرهنگ کمک می‌کند.»^{۳۶}

رسانه‌ها باید در زمینه معرفی و بیان عقاید گوناگون و ایجاد ابزار مناسب برای گفت‌وگو، به ایفای نقش پرداخته و فعالیت‌های موسسات مدنی به ویژه طرفداران صلح و دموکراسی را به نحو مناسبی پوشش دهند تا نظریات و صداهای مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی شنیده شوند و این تنوع صداها را به روندی برای انسجام دموکراتیک افکار عمومی و ایجاد خواست و اراده عمومی در این زمینه تبدیل کنند. تکثر مجاری اطلاع‌رسانی، اگر با تکثر مدیریت و مالکیت رسانه‌ها همراه نباشد، اثرات دموکراتیک آنها را محدود می‌سازد. «ارتباطات جهانی، هنجارهای دموکراتیک، امنیت، آزادی، برابری و همبودی را در دستور کار ملی قرار داده است... رفتار

اخلاقی، آزادی انتخاب را مسلم می‌داند. بدون برخوردارگی از این آزادی، روزنامه‌نگاران و مخاطبان، گروگان این یا آن انحصار اطلاع‌رسانی هستند.»^{۳۷} بنابراین حمایت از رسانه‌های غیردولتی، غیرتجاری و متعلق به مالکیت‌های عمومی و جامعه مدنی به منظور ایجاد توازن در محتوا و ساختار رسانه‌ای، ضرورت دارد.

گزارشگری صلح، جوامع امروز را شفاف و انعکاس‌پذیر می‌سازد. «جوامع دموکراتیک مدرن، از این لحاظ که انعکاس‌پذیر هستند با پیشینیان خود تفاوت دارند. انعطاف‌پذیری آنها از انعکاس‌پذیری‌شان، ریشه می‌گیرد. در دنیای رسانه‌ای شده، اکثر داستان‌ها توسط منابع رسانه‌ای بازگو می‌شود. اگر منابع رسانه‌ای، تحت سلطه یک ساختار واحد قرار داشته باشند، ماریپیچ سکوت و گفتار درباره مسائل حیاتی، به همگنی بی‌مورد افکار و کاهش انعکاس‌پذیری و انعطاف‌پذیری دموکراتیک منجر می‌شود. روزنامه‌نگاری صلح و اخلاق رسانه‌ای نمی‌تواند در چنین محیط خشکی، بقا یابد.»^{۳۸}

جمع‌بندی

با در نظر گرفتن نکات و محورهای اساسی پیش گفته در این مقاله می‌توان به این نتیجه رسید که تدوین و تصویب اصول اخلاقی جدید متضمن ارزش‌های صلح، دموکراسی و حقوق بشر و حصول توافق عمومی در مورد ضرورت پای‌بندی عملی به این اصول می‌بایست در دستور کار رسانه‌های بین‌المللی قرار گیرد. این اصول، روزنامه‌نگاری صلح را به عنوان یک ارزش رسانه‌ای جدید در جهان امروز، به عنوان محور فعالیت‌های رسانه‌ای، معرفی می‌کنند. یونسکو، سازمان‌های بین‌المللی و انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، از جمله «همایش تهران» می‌بایست به میثاق محکم و منسجمی در این زمینه دست یافته، سازوکارهای اجرایی آن را طراحی و تعبیه

کنند.

بازنگری در فرهنگ و ارزش‌های سنتی روزنامه‌نگاری، همچون ارزش‌های شناخته شده خبری، برجسته‌سازی، فرایند دروازه‌بانی خبر، و اولویت دادن به ارزش صلح و دموکراسی در نگرش رسانه‌ای جدید می‌بایست در دستور کار رسانه‌های بین‌المللی قرار گیرد. هم‌چنین ضرورت کثرت‌گرایی در ساختار مدیریت و مالکیت رسانه‌ها به منظور دسترسی به تنوع محتوا و باز نمود صداهای مختلف، تضمین وفاداری و پاسداری از اصول غیرقابل انکار رسانه‌ها در زمینه آزادی بیان و قلم، استقلال، عینیت، بی‌طرفی، صحت و درستی و حضور روزنامه‌نگاران در کانون‌های دست اول رویدادها، استفاده از زبان نرم و تفاهمی در ارتباطات بین‌المللی به ویژه در رفتار با دموکراسی‌های نوپا، از دیگر محورها و توصیه‌های این مقاله است.

پیشنهادها

براین اساس می‌توان پیشنهادهایی را به قرار زیر، ارائه کرد:

۱. تجدیدنظر در نظام سنتی ارزش‌های خبری روزنامه‌نگاری و افزودن ارزش صلح، تفاهم و دموکراسی به فهرست ارزش‌های خبری مرسوم؛
۲. بازنگری در فرهنگ و آموزه‌های مربوط به دروازه‌بانی و برجسته‌سازی، برای اولویت دادن به موضوع‌ها و مقوله‌های مربوط به صلح، دموکراسی و حقوق بشر؛
۳. بازنگری در اصول آموزش حرفه‌ای بر مبنای روزنامه‌نگاری مبتنی بر صلح و دموکراسی، به منظور اولویت‌یابی گفتمان صلح بر گفتمان جنگ در رسانه‌ها، زیرا با گفتمان‌های ایدئولوژیک جنگ محور، نمی‌توان به پیشبرد صلح، تفاهم و دموکراسی خدمت کرد؛
۴. دست‌یابی به اجماع و توافق بر سر اعمال اصول اخلاق رسانه‌ای جدید به ویژه فصل مشترک همه مصوبه‌ها و عهدنامه‌ها

یعنی صلح، دموکراسی، تفاهم، حقوق بشر، حفظ منزلت و کرامت انسان، عدم تبعیض و پیشداوری، برخورد برابر با همه انسان‌ها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها؛

۵. به کارگیری سبک‌ها و شیوه‌های جذاب و مؤثر در گزارشگری صلح و آمیختن متون مربوط به صلح با علایق انسانی به منظور تأثیرگذاری بر وجدان عمومی جوامع و نیز فرهنگ و رفتار سیاستمداران.

(این اصول اخلاقی جدید باید حقیقت، محبت، نوع دوستی، تفاهم و گفت و گو، صلح و حق انسان در زمینه برخورداری از آرامش را به محور توافق در عرصه روزنامه‌نگاری جهانی تبدیل کند؛)

۶. برجسته‌سازی ابعاد انسانی رویدادها، انسانی‌سازی رویدادهای رسانه‌ای به جای رسانه‌ای‌سازی رویدادهای انسانی و اجتماعی؛

۷. تقویت فرهنگ صلح‌خواهی و صلح‌طلبی از طریق بازتاب دادن رویدادها و مطالبات صلح‌طلبانه؛

۸. تغییر منابع خبری و خارج کردن آنها از انحصار قدرتمندان و دولتمردان به افراد، سازمان‌ها و مؤسسات مدنی و منابع متنوع اجتماعی، که در راه برقراری و تقویت صلح، تلاش می‌کنند؛

۹. توجه به کثرت‌گرایی در مدیریت و مالکیت رسانه‌ها؛

۱۰. مقابله یا دست‌کم مسکوت گذاشتن هر اقدام، تصمیم، گفتار، رفتار و شخصیتی که زمینه جنگ و به خطر افتادن صلح را فراهم می‌کند؛

۱۱. بها دادن به مصلحان، خیراندیشان، سیاستمداران صلح‌طلب و برجسته‌سازی آنها در برابر سیاستمداران جنگ‌طلب، تأکید بر مشروعیت صلح‌سازان، و مشروعیت‌زدایی از جنگ‌طلبان؛

۱۲. به رسمیت شناختن تنوع و تکثر فرهنگ‌ها و احترام به آنها؛

۱۳. منع کاربرد زبان امرانه، پرخاشگر و سخت، و تشویق و ترویج به کارگیری زبان

نرم مبتنی بر مدارا، تفاهم، تنوع‌پذیری و صلح‌طلبی؛

۱۴. نفی قطب‌بندی و غیرسازی در گزارش رویدادها و توصیف ملت‌ها و فرهنگ‌های دیگر؛

۱۵. حضور در کانون‌های منازعه، جست‌وجو و کشف حقیقت‌های دست‌اول، و انعکاس ابعاد انسانی کشمکش‌ها و ارائه راه‌حل برای منازعات به جای پیچیده‌تر کردن اختلاف‌ها و درگیری‌ها؛

۱۶. تلاش در جهت ایجاد امکان شناخت واقعی اقوام، ملت‌ها و دولت‌ها از یکدیگر به جای اصالت دادن به تصویرسازی‌های رسانه‌ای که واقعیت را مخدوش، و دیگران را «دشمن» معرفی می‌کنند؛

۱۷. و بالاخره در یک کلام، صلح، مدارا شدن رسانه‌ها به جای جنگ، محوری و برجسته‌سازی گفتمان خشونت. □

منابع فارسی

- اوگوا، تسونو، «کاربرد تنظیم و برجسته‌سازی خبر»، ترجمه زهره بیدختی، فصلنامه رسانه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سال ۱۲، ش ۲، صص ۷۴ تا ۸۱
- بدیعی، دکتر نعیم و حسین قندی، روزنامه‌نگاری نوین، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸.
- تهرانیان، دکتر مجید، نظام رسانه‌ای مطلوب: نوع ساخت، تنوع محتوا، فصلنامه رسانه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سال ۱۱، ش ۴، صص ۱۰ تا ۲۲.
- شکرخواه، یونس، خبر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۱.
- فرقانی، محمدمهدی، «روزنامه‌نگاری تفاهمی»، فصلنامه رسانه، سال ۱۳، ش ۱، صص ۱۲ تا ۲۲.
- معمدینژاد، دکتر کاظم، «حق دسترسی همگانی به اطلاعات در قرن بیست و یکم»، فصلنامه رسانه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سال ۱۱، ش ۴، صص ۱۰ تا ۲۲.
- معمدینژاد، دکتر کاظم، حقوق مطبوعات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
- میرفخرایی، تزا، «یک تحلیل رسانه‌ای: گفتمان نفرت»، فصلنامه رسانه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سال ۱۲، ش ۳، صص ۱۰ تا ۱۰.

منابع لاتین

ارزش‌ها عبارتند:

درب‌گیری (Impact)، شهرت (Prominence)، برخورد و کشمکش (Conflict)، عجیب و استثنایی (Oddity)، فراوانی تعداد و مقدار (Magnitude)، مجاورت (Proximity)، تازگی (Timeliness)

چند سال بعد یوهان گالتونگ و مری روج، محققان انتقادی آمریکایی در بررسی ساختار اخبار خارجی، ارزش‌های دوازده‌گانه‌ای را استخراج کردند که برخی از آنها با ارزش‌های هفت‌گانه «وارد» مشترک بود. یکی از ارزش‌های مهمی که این دو محقق استخراج کردند، ارزش «منفی‌گرایی» (Negativity) بود. به این معنا که رسانه‌های نوژی مورد بررسی، به رویدادهای منفی نسبت به رویدادهای مثبت، اهمیت بیشتری می‌دهند. این گرایش، بعدها در تحقیقات متعدد دیگر نیز تأیید شد. منظور از منفی‌گرایی آن است که از دیدگاه رسانه‌های غربی، خبر بد، خبر خوب است. (Good News is Bad News)

۱۴. در مورد مفهوم و تاریخچه دروازه‌بانی، قابل ذکر است که لئوروستین محقق آمریکایی در سال ۱۹۳۷ نوشت: روزنامه، یک تقویم، سالنامه یا روزشمار تاریخ نیست. کل فرآیند روزنامه‌نگاری در انتخاب (Selectivity) خلاصه شده است.

بیش از یک دهه بعد، ویلبرشام (۱۹۴۹) در این باره می‌نویسد: «هیچ یک از جنبه‌های ارتباط به اندازه تعداد زیادی انتخاب و تعداد زیادی رد کردن در شکل‌دهی افکار گیرنده و ارتباطگر مؤثر نیست».

مفهوم دروازه‌بانی خبر راکورت لوین به وجود آورد. نظریه لوین برای درک این موضوع به وجود آمد که چگونه یک نفر می‌تواند تغییرات اجتماعی گسترده‌ای را در جامعه به وجود آورد. مثال اصلی لوین شامل تغییر عادات غذایی در یک جمعیت مفروض بود و نتیجه گرفت که تمام اعضای یک جمعیت مفروض نقش یکسانی در این تصمیم که چه چیزی خورده شود، ندارند. به نظر لوین، این چارچوب نظری قابل تعمیم در هر سطحی است و بخصوص در مورد عبور خبر از مجرای ارتباطی نیز صدق می‌کند. بعد از لوین، دیوید مینینگ وایت در سال ۱۹۴۹ نظریه مجراها و دروازه‌بانان را به صورت یک طرح تحقیقاتی درآورد و نتیجه گرفت که نگرش‌ها و علائق شخصی دروازه‌بان در انتخاب خبر تأثیر دارد و انتخاب اخبار کاملاً ذهنی است.

در سال ۱۹۵۶، محقق به نام گیبز در تحقیقی مشابه نتیجه‌ای متفاوت با نتیجه وایت به دست داد. به نظر گیبز، فرآیند انتخاب اساساً مکانیکی است و مسائل روزمره کار ارتباطی، خیلی بیشتر از ارزش‌های شخصی دروازه‌بان در کار گزینش، دخالت می‌کنند. در تعریف دروازه‌بانی خبر، گیبز گفته است: «فرآیند گسترده‌ای از کنترل اطلاعات شامل تمام جنبه‌های رمزگذاری پیام، نه فقط انتخاب بلکه ممانعت از نشر، انتقال، شکل‌دهی، ارائه و عرضه، تکرار و زمان‌بندی در طول مسیر انتقال از منبع به گیرنده، به

عبارتی دروازه‌بانی شامل تمام جنبه‌های انتخاب، نگه داشتن و کنترل پیام است.

۱۵. نظریه برجسته‌سازی براساس این فرضیه شکل گرفت که رسانه‌ها با بزرگ کردن برخی رویدادها و کوچک کردن برخی دیگر، در عمل، اولویت ذهنی مخاطبان را رقم می‌زنند. بررسی‌ها نشان داده که وقتی از مردم درباره ده رویداد مهم سال، پرسش شده آنها از رویدادهایی نام برده‌اند که توسط مطبوعات یا سایر رسانه‌ها بزرگ‌نمایی و برجسته شده‌اند. به این ترتیب نظریه برجسته‌سازی، قائل به آن است که رسانه‌ها با برجسته‌سازی موضوع‌ها و رویدادهای مورد علاقه و نظر خود، قادرند به مخاطبان بگویند «درباره چه» فکر کنند. اما آنها نمی‌توانند به مخاطبان بگویند «چگونه» فکر کنند.

برمبنای نظریه برجسته، هر موضوعی که به وسیله رسانه‌ها، عمده و برجسته شود عملاً به مشغله فکری مخاطبان هم تبدیل می‌شود و در نتیجه اذهان عمومی را متوجه خود می‌کند. از این دیدگاه، برجسته‌سازی «صلح» توسط رسانه‌ها نیز می‌تواند به تفوق موضوع صلح نسبت به جنگ در ذهنیت عمومی، کمک کند.

۱۶. رجوع شود به بخش آخر توضیحات زیرنویس شماره یک.

17. Asian Journal of Communication, Vol.11, No I. 2001.

18. The Peace Journalism Option, 1998.

19. War Journalism

20. Peace Journalism

21. Andrew Kuper and Focelyn Kuper, Serving A New Democracy: Must the Media Speak softly? Learning from South Africa, International Journal of Public Opinion Research, Vol. 13, No. 4, 2001, P. 355

۲۲. دکتر مجید تهرانیان، پیشین، ص ۱۴.

۲۳. دکتر تهرانیان، پیشین، ص ۱۹.

24. International Federation of Journalists (IFJ).

25. Iranian National Commission for UNESCO, Final Report, Media and Civil Society, P.9.

26. Iranian National Commission for UNESCO, Final Report, P.9

۲۷. دکتر مجید تهرانیان، پیشین، صص ۱۶ و ۱۸.

۲۸. دکتر مجید تهرانیان، پیشین، ص ۱۹.

* این مقاله، به سفارش «همایش بین‌المللی خبرگزاری‌ها؛ ائتلاف برای صلح» که روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه امسال توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد، تهیه شده و خلاصه آن نیز در همایش مذکور ارائه شده است. یادآوری می‌شود که کتاب مجموعه مقالات همایش، در دست چاپ است.

- Asian Journal of Communication, Vol. 11, No.1, 2001.

- Iranian National Commission for UNESCO, Final Report, Inter - Regional Workshop on "Media and Civil Society", Asia, Pacific and Arab Regions, Tehran, Iran, 20-22 Jan. 2002.

- Kuper, Andrew and Focelyn Kuper, "Serving A New Democracy: Must the Media Speak softly"? Learning from South Africa, International Journal of Public Opinion Research, Vol. 13, No. 4, 2001, PP. 355-373.

- Mowlana, Hamid, George Gerbner, and Herbert I. Schiller, Triumph of the Images, Westview Press, Oxford, 1992.

پی‌نوشت‌ها:

1. News Values
2. Gate Keeping
3. Agenda Setting
4. Iranian National Commission For UNESCO, Final Report, Inter - Regional Workshop On "Media and Civil Society", Asia, Pacific and Arab Regions, Tehran, Iran, 20-22 Jan. 2002.
5. Investigative and Interpretative Reporting

۶. تهرانیان، دکتر مجید، روزنامه‌نگاری صلح، رسانه، سال ۱۲، ش ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۵.

۷. قطعه‌نامه کنفرانس ۱۹۲۷ جامعه ملل در ژنو، و نیز قطعه‌نامه‌های کنفرانس‌های جامعه ملل در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ در کینهاک و مادرید.

۸. اعلامیه اتحادیه بین‌المللی پخش رادیویی در سال ۱۹۲۵.

۹. ماده ۶ مجموعه مقررات سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران، نوامبر ۱۹۷۳.

۱۰. پیش‌نویس بین‌المللی اصول اخلاقی برای پرسنل اطلاعات، مصوب سازمان ملل متحد در ۱۹۵۲.

۱۱. تبصره ۲ ماده ۸ اعلامیه فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران.

۱۲. دکتر مجید تهرانیان، پیشین، صص ۱۲ و ۱۳.

۱۳. ارزش‌های خبری، ویژگی‌هایی هستند که قادرند یک رویداد را به خبر تبدیل کنند. دکتر «والتر وارد» آمریکایی در سال ۱۹۶۷ به منظور تدوین رساله دکتری خود، یک شهر خیالی را در نظر گرفت و تعداد زیادی از رویدادهای فرضی اتفاق افتاده در یک روز آن شهر را در اختیار سردبیران روزنامه‌های معروف گذاشت تا خبرهای مهم را از میان آنها انتخاب کنند. دکتر وارد پس از بررسی خبرهای انتخاب شده، هفت ویژگی اصلی را در آنها تشخیص داد که آنها را از ارزش خبری نامید. این